

بسم الله الرحمن الرحيم

1399/06/18

موضوع: دشمن سازی برای حضرت مهدی، با نام حضرت مهدی!!

برنامه عصر انتظار

فهرست موضوعات این سخنرانی:

چرا امام زمان (علیه السلام) بعد از شهادت پدر، حکومت اسلامی تشکیل ندادند؟!

آیا در عصر ظهور، محبت امام زمان (علیه السلام) فقط خاص شیعیان خواهد بود؟!

آیا میشود انقلاب ایران و مشکلات پیش رو را با ظهور امام زمان پیوند داد؟

فرقه منحرف «احمد الحسن»، تهدیدی جدی در مسیر مهدویت!

آشنایی با برخی اندیشه های انحرافی «احمد الحسن»!

آیا بهترین راه در پذیرش روایت، بررسی سندی است؟!

نقش منکرین و مدعیان ظهور منجی، در ظهور امام زمان (علیه السلام) چیست؟

فتنه ای جدید به نام «منصور هاشمی خراسانی»!!

مجری:

به نام مناسبترین واژه‌ها، به رسم محبت، به نام خدا.

بسم الله الرحمن الرحيم و نريد أن نمّن على الذين استضعفوا في الأرض و نجعلهم أئمة و نجعلهم الوارثين

زیباترین کلام برای آغاز بیان یعنی «سلام»! پیشکش محضر همه شما خوبان، بینندگان عزیز و ارجمند برنامه «عصر انتظار».

امید داریم که در کنف الطاف الهی و زیر ظل توجهات حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در کنار خانواده، صحیح و سلامت باشید.

بازهم با برنامه «عصر انتظار» محضر شما خوبان هستیم. برنامه‌ای که اختصاص دارد به پاسخ به شبهات و سؤالات حوزه مهدویت.

امروز در محضر سرور گرانقدر، دانشمند فرزانه، حضرت آیت الله «دکتر حسینی قزوینی» هستیم و بهره کافی را از محضر ایشان خواهیم برد. امید داریم که ان شاءالله صحیح و سلامت باشند.

حاج آقا عنایت بفرمایید سروران گرانقدری که در سالن شرف حضور دارند، دوستان طلبه و اساتید و دوستان بزرگواری که از حوزه و دانشگاه خدمتشان هستیم؛ عرض سلام و علیکی با بینندگان و سروران گرانقدر داشته باشید تا ان شاءالله سؤالات را شروع کنیم.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم بسم الله الرحمن الرحیم و به نستعین و هو خیر ناصر و معین الحمد لله و الصلاة علی رسول الله و علی آله آل الله

ضمن تشکر از دست اندرکاران این محفل و تقدیم خالصانه‌ترین سلامم به همه حاضرین، موفقیت همه عزیزان و بزرگواران را از خداوند مَنان خواستارم.

از اینکه این جلسه به خاطر بعضی از برنامه‌هایی که بدون اطلاع قبلی انجام شده بود با تأخیر شروع شد، از همه عزیزان پوزش می‌طلبم. امیدواریم که ان شاءالله عزیزان ما را ببخشند.

بنده از اینکه عزیزان در حوزه مهدویت تلاش کردند و زحماتی کشیدند تشکر می‌کنم. البته قرار بود جلسه ما جلسه‌ای خودمانی با دوستان باشد تا ما ببینیم دوستان چقدر در حوزه مهدویت کار کردند و ما از دوستان سؤال کنیم و جواب دهند.

برنامه ما قبلاً به این شکل طراحی شده بود، اما بنده الآن متوجه شدم که قضیه به این شکل است. بنده با توکل بر خداوند عالم و عنایت حضرت ولی عصر (ارواحنا فداه) در خدمت حضرتعالی هستم.

مجری:

استاد! ما به جهت اینکه بیشتر بتوانیم از محضر حضرتعالی بهره مند شویم دوستان به جمع بندی رسیدند که سؤالات را جمع آوری کنند و ما بتوانیم یک طرفه سؤالات را از حضرتعالی بپرسیم.

جسارت ما را ببخشید اگر باعث خستگی حضرتعالی می‌شویم. بدون فوت وقت من سؤالات را شروع می‌کنم. بزرگواران هم در خلال مبحث اگر سؤالی مدنظرشان بود، در برگه‌ها یادداشت بفرمایند و به ما برسانند حتماً پرسیده خواهد شد.

چرا امام زمان (علیه السلام) بعد از شهادت پدر، حکومت اسلامی تشکیل ندادند؟

سؤال اول:

در روایت داریم که حاکمیت اسلام و حکومت امام زمان عامل رستگاری بشریت است. اگر این چنین خواهد بود، چرا امام زمان بعد از شهادت پدر بزرگوارشان حضرت امام حسن عسکری، حکومت تشکیل ندادند؟

پاسخ:

قضیه حضرت ولی عصر بعد از شهادت پدر بزرگوارشان طوری بود که به قدری جو حاکم در منطقه شدید بود که هم پدر بزرگوارشان امام حسن عسکری و هم جد بزرگوارشان امام هادی زندانی نظامی بودند. هرگونه ارتباط شیعیان با این دو بزرگوار قطع بود.

آن‌ها مراقب بودند از ولادت حضرت ولی عصر جلوگیری کنند و حتی بعد از شهادت امام حسن عسکری مادر بزرگوار امام زمان را مدتی زندانی کردند، به تصور اینکه او به وجود حضرت ولی عصر باردار است تا به مجرد به دنیا آمدن حضرت مهدی او را بکشند.

البته این جو تنها مخصوص زمان امام حسن عسکری نبود، بلکه در زمان امام جواد هم قضیه به همین شکل بود. دشمنان در جامعه آنچنان خفقان و استبدادی ایجاد کرده بودند که اینها حتی توانایی نشر معارف اسلامی را نداشتند، چه رسد به تشکیل حکومت!

تشکیل حکومت مبنی بر این است که ائمه اطهار (علیهم السلام) مبسوط الید باشند و امکاناتی داشته باشند و مردم پذیرا باشند.

هیچکدام از این شرایط حکومت نبود و حتی جان حضرت ولی عصر هم در خطر بود و دشمنان به دنبال این بودند که به هر نحوی وجود مقدس حضرت ولی عصر را از بین ببرند، همانطور که این کار را با اجداد طاهریین حضرت انجام دادند.

بنابراین یکی از شئون ائمه اطهار (علیهم السلام) تشکیل حکومت و اقامت عدل و رفع ظلم است، به شرط آنکه در مردم پذیرایی باشد.

رسول اکرم، رسول است، چه در مدینه و چه در مکه. حضرت سیزده سال در مکه بودند، اما به جهت اینکه زمینه نبود، حکومتی تشکیل ندادند. به مجرد آمدن به مدینه، چون امکانات فراهم بود، حضرت حکومت تشکیل دادند.

همچنین حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) بیست و پنج سال برای تشکیل حکومت موانعی داشتند. بعد از گذشت بیست و پنج سال موانع برطرف شد و حضرت حکومت تشکیل دادند.

امام حسن مجتبی به مدت پنج ماه که زمینه فراهم بود حکومت تشکیل دادند، اما بعد از گذشت پنج ماه به دلیل خیانت فرماندهان و یاران، زمینه فراهم شده از بین رفت و به همین خاطر امام با «معاویه» صلح کرد. بنابراین برای حضرت ولی عصر (ارواحنا فداه) زمینه حکومت و حتی زمینه سلامتی وجود مقدس آن بزرگوار نبود. همچنین قرار نبود که ائمه اطهار با معجزه کار کنند. اگر قرار بود آن بزرگواران با معجزه جلو بروند،

(وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَأَمَنَّ مَنْ فِي الْأَرْضِ كُلَّهُمْ جَمِيعًا)

و اگر پروردگار میخواست تمام آنها که در روی زمین هستند همگی (از روی اجبار) ایمان میآوردند.

سوره یونس (10): آیه 99

در این صورت با یک اراده خداوند متعال تمام مردم مؤمن می شدند یا با یک اراده ولایی پیغمبر اکرم همه مردم مسلمان می شدند. ابتدا قرار است کارها با اسباب جلو برود:

«أَبَى اللَّهُ أَنْ يَجْرِيَ الْأُمُورُ إِلَّا بِأَسْبَابِهَا»

منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغة، نویسنده: هاشمی خویی، میرزا حبیب الله، مترجم: حسن زاده

آملی، حسن و کمرهای، محمد باقر، ج 17، ص 272، الحدیث الاول

اسباب فراهم نبود، بنابراین حضرت ولی عصر اقدامی برای تشکیل حکومت نکردند.

مجری:

بسیار سپاسگذارم. پیرامون همین مواردی که اشاره فرمودید، دوستان بزرگوار سؤال پرسیدند که اگر امام زمان بین مردم بود و مردم را به راه راست هدایت می‌کرد، بهتر نبود تا اینکه به غیبت برود یا شرایط غیبت فراهم شود؟

اگر موضوع بحث حفظ جان است، طبیعتاً خداوند عالم می‌توانست شرایطی را فراهم کند که اینک الآن هم همینطور هست و حفظ جان ایشان برقرار باشد.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

عرض کردم که قرار نیست خداوند عالم همه چیز را با معجزه فراهم کنند. «أبی الله أن یجری الامور إلا بأسبابها».

اجداد بزرگوار حضرت بقیة الله الأعظم در جامعه بودند، شما مشاهده کنید با اجداد طاهرینشان چکار کردند. دشمنان با حضرت سید الشهداء چکار کردند، با امام سجاد چکار کردند، با امام کاظم چکار کردند، با امام رضا چکار کردند!؟

علاوه بر این، دشمنان از سایر ائمه اطهار (علیهم السلام) احساس خطر نمی‌کردند. در حالی که ما در قرآن کریم نزدیک به سیصد و بیست و چهار آیه در رابطه با حضرت ولی عصر (ارواحنا فداه) داریم.

همچنین آیت الله العظمی صافی در کتاب «منتخب الأثر» در خصوص حضرت مهدی آورده‌اند که حضرت تمام حکومت‌های ظالم و استبداد را از بین می‌برد و حکومت مبتنی بر عدل و بر پایه عدالت تشکیل می‌دهد.

دشمنان لحظه شماری می‌کردند تا به حضرت ولی عصر دسترسی پیدا کنند و حضرت را از بین ببرند. اگر بنا بود با معجزه باشد، دیگر «جنگ بدر» و «جنگ احد» و «جنگ حنین» و امثال آن در کار نبود. قرار است ائمه اطهار برای ما الگو باشند. قرآن کریم می‌فرماید:

(قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ)

بگو من فقط بشری هستم همچون شما.

تنها فرق من با شما این است:

(يُوحَىٰ إِلَىٰ أَنَّمَا إِلَهُكُمُ إِلَهٌ وَاحِدٌ)

(امتیازم این است که) به من وحی می‌شود که معبود شما تنها یکی است.

سوره کهف (18): آیه 110

این میز بین پیغمبر اکرم و ائمه اطهار با خداوند عالم هست که آن بزرگواران متصل به عالم وحی هستند. رسول اکرم با وحی به جبرئیل و ارتباط با ملائکه و روحی که اعظم از ملائکه است؛

(تَنْزِيلُ الْمَلَائِكَةِ وَ الرُّوحِ فِيهَا يَأْتِيهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ)

فرشتگان و "روح" در آن شب به اذن پروردگارشان برای (تقدیر) هر کار نازل می‌شوند.

سوره قدر (97): آیه 4

که بر حضرت ولی عصر (ارواحنا فداه) نازل می‌شود. بنابراین این چنین نبود که خداوند عالم بخواهند ائمه اطهار را با معجزه حفظ کند.

به صورت طبیعی، خطر وجود حضرت ولی عصر به مراتب از خطر وجود امام حسین و امام سجاد و امام باقر و امام رضا و امام هادی (علیهم السلام) قطعاً بیشتر بود و این اصلاً امکان پذیر نبود. بنابراین حکمت الهی بر این تعلق گرفته است که این قضایا به این شکل پیش رود تا مردم امتحانشان را پس دهند.

(إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا)

ما راه را به او نشان دادیم، خواه شاکر باشد (و پذیرا گردد) یا کفران کند.

سوره انسان (76): آیه 3

حضرت نوح نهصد و پنجاه سال تبلیغ می‌کند و نتیجه این می‌شود که حدود ده الی پانزده نفر به حضرت ایمان می‌آورند.

(وَ مَا آمَنَ مَعَهُ إِلَّا قَلِيلٌ)

اما جز عده کمی به او ایمان نیاوردند.

سوره هود (11): آیه 40

بعد از گذشت نهصد و پنجاه سال تعداد کمی از افراد که در کشتی کوچکی جای گرفتند به حضرت ایمان آوردند. مشاهده کنید مخالفین با پیامبران الهی و ائمه اطهار (علیهم السلام) چکار کردند، همان کار را هم با حضرت ولی عصر (ارواحنا فداه) می‌کردند.

عرض کردم تمام جواب‌ها مبتنی بر این است که «أَبَى اللَّهُ أَنْ يَجْرِيَ الْأُمُورُ إِلَّا بِأَسْبَابِهَا». همانطور که خداوند عالم رفع گرسنگی را در غذا خوردن قرار داده است و با دعا خواندن و نفس کشیدن و سایر امور رفع نخواهد

شد؛ حکومت ائمه اطهار (علیهم السلام) را هم بر این مبتنی کرده است که درخواست مردم باشد و مانع و خطری برای تشکیل حکومت و حفظ جانشان نباشد.

مجری:

حاج آقا سپاسگذارم. بینندگان بزرگوار! برنامه‌ای که مشاهده می‌فرمایید، «عصر انتظار» هست و در محضر حضرت آیت الله «دکتر حسینی قزوینی» پاسخگوی شبهات و پرسش‌های حوزه مهدویت هستیم.

آیا در عصر ظهور، محبت امام زمان (علیه السلام) فقط خاص شیعیان خواهد بود؟!

سؤال دوم:

در دوران غیبت و ظهور، گستره محبت امام زمان چگونه خواهد بود؟! آیا فقط مخصوص شیعیان و محبان اهلبیت است یا اینکه شامل تمامی اهل عالم خواهد شد؟!

پاسخ:

قضیه مهدویت یک قضیه جهانشمول است. این قضیه نه تنها فرامذهبی است، بلکه فرادینی هم هست.

اگر شما اقوام و مللی که اصلاً تابع ادیان ابراهیمی هم نبودند حتی بودائی‌ها را ملاحظه کنید، خواهید دید در فرهنگ تمامی آنها آمده است که در آخر الزمان منجی خواهد آمد و بساط ستم و ظلم را برخواهد چید و حکومت دینی و مبتنی بر عدل تشکیل خواهد داد.

حال حکومت اتباع ادیان ابراهیمی مبتنی بر عدل الهی است و کسانی که تابع ادیان الهی نیستند بر مبنای عدل عقلی است. در هر صورت تاریخ شهادت می‌دهد که اینها هم منتظر هستند و همگان دوست دارند.

«ابن تیمیه حرانی» که لیدر وهابیت است وقتی در خصوص حضرت ولی عصر صحبت می‌کند، می‌گوید که ما دلیل قاطع و روایات متواتر داریم بر اینکه در آخرالزمان فردی به نام حضرت ولی عصر خواهد آمد.

«أَنَّ الْأَحَادِيثَ النَّبِيَّ يُخْتَجُّ بِهَا عَلَى خُرُوجِ الْمَهْدِيِّ أَحَادِيثُ صَحِيحَةٌ، رَوَاهَا أَبُو دَاوُدَ، وَالتِّرْمِذِيُّ، وَأَحْمَدُ، وَعَبْدُ اللَّهِ بْنُ مَسْعُودٍ وَغَيْرُهُ»

منهاج السنة النبوية، اسم المؤلف: أحمد بن عبد الحليم بن تيمية الحراني، دار النشر: مؤسسة قرطبة -
1406، الطبعة: الأولى، تحقيق: د. محمد رشاد سالم؛ ج 8، ص 254

شاگرد او «ذهبی» در کتاب «سیر أعلام النبلاء»، اینکه حضرت ولی عصر در دنیا حکومت عدل تشکیل می‌دهد را مطرح می‌کند و می‌نویسد:

«أَنَّه الْخَلْفُ الْحَقُّ، وَأَنَّه صَاحِبُ الزَّمَانِ، وَأَنَّه صَاحِبُ السَّرْدَابِ بِسَامَرَاءَ، وَأَنَّه حَيٌّ لَا يَمُوتُ حَتَّى يَخْرُجَ، فَيَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَقِسْطًا، كَمَا مِلْنَا ظُلْمًا وَجُورًا فَوَدِدْنَا ذَلِكَ وَاللَّهِ»

امام زمان دنیا را پر از عدل و داد خواهد کرد آنچنانکه پر از ظلم و جور شده باشد و قسم به خدا ما او را دوست داریم.

سیر أعلام النبلاء؛ المؤلف: شمس الدين أبو عبد الله محمد بن أحمد بن عثمان بن قايماز الذهبي (المتوفى: 748هـ)، المحقق: مجموعة من المحققين بإشراف الشيخ شعيب الأرنؤوط الناشر: مؤسسة الرسالة، الطبعة: الثالثة، 1405 هـ / 1985 م؛ ج 13، باب 60 الْمُنتَظَرُ أَبُو الْقَاسِمِ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الْعَسْكَرِيُّ، ص 120

او به صراحت می‌نویسد ما این مهدی که می‌خواهد بیاید و جهان را پر از عدل و داد کند، دوست داریم. البته سپس می‌نویسد شیعیان انحراف رفتند و گفتند: حضرت مهدی به دنیا آمده است!!

بنابراین محبت به مهدویت در حقیقت محبت به عدالت است. عدالت هم دین محور نیست، عقل محور است. کسانی که تابع عقل و وجدان هستند و عنادی در وجودشان نیست، به دنبال عدالت هستند؛ هم نسبت به خودشان هم نسبت به خانواده و هم نسبت به جامعه.

این منجی که قرار است بیاید و عدالت را در جهان پیاده کند را همه دوست دارند و اختصاصی به شیعه و سنی و مسیحی و تابعین دیگر ادیان ندارد.

در حال حاضر هم، حکومت‌های طاغوتی نظیر آمریکا و عربستان سعودی یکی از بزرگترین وحشت‌هایی که دارند، ظهور حضرت ولی عصر و برچیدن حکومت‌های آنهاست.

مجری:

بخش بعدی سؤالاتمان در همین زمینه هست، پس از اینکه نفسی تازه کنید. بینندگان عزیز! شرایط، شرایط کرونا هست و بحث ماسک و رعایت پروتکل‌های بهداشتی نیاز هست.

سروران گرانقدری که در سالن هستند صلواتی ختم کنند، رفت و برگشتی داشته باشیم و در خدمت حاج آقا هستیم.

حاج آقا خیلی ممنونم از اینکه همراه برنامه «عصر انتظار» هستید. بخش دوم سؤالات را پی می‌گیریم.

آیا میشود انقلاب ایران و مشکلات پیش رو را با ظهور امام زمان پیوند داد؟

سؤال سوم:

انقلاب اسلامی به همت حضرت امام خمینی (رحمة الله علیه) و رزمندگان هشت سال دفاع مقدس و شهدایی که تاکنون تقدیم کردیم که سرآمد آنها شهید گرانقدر «حاج قاسم سلیمانی» عزیز است که از بینمان پر کشیدند، تشکیل شده است.

به هر شکل انقلاب اسلامی شکل گرفت و متأسفانه در حال حاضر هم مشکلاتی هست. آیا می‌توانیم بحث انقلاب اسلامی و مشکلات فعلی را با ظهور امام زمان پیوند دهیم؟!

پاسخ:

بنده با هرنوع پیشگویی قطعی مخالفم. روایات ما هم این را تأیید نمی‌کند. مشاهده کنید که علائمی در روایات آمده است. «سید بن طاووس» متوفای 664 هجری در کتاب خود به فرزندش می‌نویسد: "این که در روایت آمده است قبل از ظهور حضرت مهدی یکی از علما می‌آید و کارهایی انجام می‌دهد، احساس می‌کنم مراد از این عالم که قبل از حضرت مهدی می‌آید من هستم! من زمان ظهور را درک می‌کنم و تو هم درک می‌کنی."

حال مشاهده کنید از سال 664 هجری تاکنون نزدیک به هشتصد و اندی سال گذشته است ولی ظهوری اتفاق نیفتاده است!

همچنین زمانی که «ملک عبدالله» از دنیا رفت، در تمام فضای مجازی پر شد که پیغمبر اکرم فرموده است وقتی حاکمی به نام «عبدالله» از دنیا برود، من به شما بشارت آمدن حضرت مهدی را می‌دهم. اینطور پیشگویی‌ها جز ضربه زدن به اعتقادات جوانان نتیجه دیگری ندارد. ما در روایت داریم هرکسی می‌خواهد، این چنین بخوابد که فردا صبح ظهور است. این بدان معناست که شخص باید اینقدر آماده باشد.

(أَلَيْسَ الضُّبْحُ بِقَرِيبٍ)

آیا صبح نزدیک نیست؟!

سوره هود (11): آیه 81

در حال حاضر که ما در اینجا هستیم، باید با تمام وجود احساس کنیم که شاید ده دقیقه دیگر ظهور صورت بگیرد.

«وَإِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى يَضِلُّ أَمْرُهُ فِي لَيْلَةٍ»

خداوند عالم در یک شب تمام مقدمات ظهور را فراهم می‌نمایند.

بحار الأنوار، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح: جمعی از محققان، ج 51،

ص 156، ح 1

حال اینکه ما بگوئیم این از مقدمات ظهور است، این از علائم ظهور است، این چنین و چنان هست درست نیست. قاطعانه گفتن، جز ضربه زدن به اعتقادات جوانان ما و جری کردن دشمنان ما چیز دیگری به همراه ندارد.

ما در طول این هزار و چهارصد سال حکومتی به ویژگی‌ها و مشخصات جمهوری اسلامی که مبتنی بر فرهنگ اهلیت باشد و معرف فرهنگ اهلیت باشد، ندیدیم.

بنیانگذار این نظام هم همیشه می‌فرمود: آرزو داریم که ما بتوانیم این حکومت را دو دستی خدمت حضرت ولی عصر (ارواحنا فداه) تقدیم کنیم. این بالاترین آرزوی ماست.

«مَا شَاءَ اللَّهُ كَانَ وَ مَا لَمْ يَشَأْ لَمْ يَكُنْ»

الکافی، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، ج 2،

ص 572، ح 10

ما هم با وضعی که در دنیا ایجاد شده و ظلم و ستمی که دنیا را پر کرده است، با توجه به روایات هم، این احتمال را می‌دهیم که ظهور نزدیک باشد.

شنیدم بعضی از آقایان در فضای مجازی ادعا کردند که سال 1400 منتظر ظهور و فرج حضرت ولی عصر (ارواحنا فداه) باشید.

یک مرتبه از آیت الله العظمی بهجت مطلبی پخش شد که ایشان فرمودند: "من قبلاً می‌گفتم جوان‌های ما ظهور را درک می‌کنند، الان می‌گویم که پیرمردهای ما هم ظهور را درک می‌کنند." این گفته ایشان در فضای مجازی منتشر شد.

بنده حدود دو ماه قبل از رحلت آیت الله العظمی بهجت همراه آیت الله خزعلی و آقا زاده ایشان خدمت آیت الله العظمی بهجت بودیم. آیت الله خزعلی از ایشان سؤال کرد: شما چنین چیزی فرمودید؟!

ایشان گفتند: خیر، این خلاف است. ما قبلاً می‌گفتیم که آرزو می‌کنیم جوانان ما ظهور را درک کنند و الآن از خداوند می‌خواهیم پیرمردهای ما هم ظهور را درک کنند.

بنده این مطلب را با گوش‌های خودم از لب‌های آیت الله العظمی بهجت شنیدم. در آن جلسه آقا زاده ایشان و آیت الله خزعلی هم حضور داشتند.

گاهی اوقات یک کلاغ چهل کلاغ می‌شود! مدتی از آقای «بهلول» نقل می‌کردند که من در سوریه «عثمان بن عنبسه» که دجال هست را دیدم!!

بنده سال 1365 یا 1366 در مشهد مهمان آیت الله هاشمی شاهرودی بودم. بنده آقای «بهلول» را در حرم دیدم و از ایشان برای نهار دعوت کردم. ایشان به منزل آیت الله هاشمی شاهرودی آمدند و حدود سه ساعت با ایشان صحبت کردیم.

بنده گفتم: قضیه مطالبی که از حضرت‌عالی نقل می‌کنند، چیست؟ ایشان به صراحت گفت: من همه را تکذیب می‌کنم! این دو قضیه‌ای است که بنده خودم از نزدیک شاهد بودم.

بنابراین اینکه ما بگوییم این نشانه از علائم ظهور است، ظهور نزدیک است، ان شاء الله فلان سال ظهور خواهد شد و این مقدمات ظهور است، اشتباه است.

ما هیچ دلیلی بر قاطعانه گفتن نداریم، اما عرض کردم این بالاترین آرزوی ماست که نظام مقدس جمهوری اسلامی با این شاخصه‌هایی که در طول این چهارده قرن بی نظیر بوده و نظیری نداشته است، به حکومت جهانی حضرت ولی عصر متصل شود.

ما همیشه دعا می‌کنیم و امیدواریم ان شاءالله خداوند دعای ما را قبول کند. شاید نشانه‌هایی هم هست که ان شاءالله در حد اینکه آرزو و دعا کنیم و از خداوند بخواهیم خیلی خوب است.

حال به عنوان یک مسئله قطعی گفتن بر آن هیچ مجوز عقلی هم نداریم. عرض کردم این قضیه جز تشویش اذهان عمومی چیز دیگری نخواهد داشت.

مجری:

خیلی ممنونم. این برنامه «عصر انتظار» است که عصرهای جمعه پخش می‌شود و تقریباً نُه قسمت از این برنامه را در خدمت اساتید دیگر هم بودیم.

فرقه منحرف «احمد الحسن»، تهدیدی جدی در مسیر مهدویت!

سؤال چهارم:

یکی از سؤالاتی که بسیار پرسیدند و سروران گرانقدر حاضر در سالن هم برای ما یادداشت فرستادند، شیوه برخورد غرب با موضوع مهدویت است. البته عنوان غرب که ما به کار می‌بریم، بیشتر دشمنان اهل بیت است که شامل حال عربستان هم خواهد شد.

آنها در این زمینه کارهایی انجام دادند که تقاضا می‌کنم راجع به این فعالیت‌ها هم اشاره‌ای شود.

سرآمد این سؤالات موضوع «احمد الحسن بصری» است که الآن در عراق فعال هستند و بسیار در فضای مجازی برنامه آماده می‌کنند و خودشان را معرفی می‌کنند. در این مورد هم عنایت بفرمایید و پاسخ مبسوطی را ارائه دهید.

همین جا در پرانتز عرض کنم که بینندگان بزرگوار با سامانه «30000864» می‌توانند پیشنهادات و نظرات و سؤالاتشان را با برنامه «عصر انتظار» در میان بگذارند.

پاسخ:

در سال اول اشغال عراق توسط آمریکا، یکی از اهدافشان دستگیری حضرت مهدی (ارواحنا فداه) بود.

طبق آنچه «فوکویاما» و دیگران پیشنهاد کرده بودند، حضرت مهدی از خاورمیانه و کشورهای عربی برمی‌خیزد. لذا یکی از دلایل حضور فعال آمریکا در منطقه، وحشت از ظهور حضرت مهدی بود.

در پایگاه اطلاع رسانی حوزه علمیه در فروردین و اردیبهشت 1383 به شماره 43 می‌نویسد: "براساس اخبار واصله از عراق یکی از ائمه جمعه توسط نیروهای آمریکایی بازداشت شده بود. افسران آمریکایی مأموریت خود در عراق را دستگیری یا کشتن حضرت مهدی (ارواحنا فداه) اعلام کرده‌اند."

بعد از مدت‌ها که این روحانی را زندانی کردند، ایشان اعلام کرد حضرت مهدی که در روایات هست اسم پدر و مادر و محل ولادتش همگی روشن است. اسم پدر و شناسنامه من موجود است و من ارتباطی با حضرت مهدی ندارم.

بعد از مدت‌ها که ایشان آزاد شدند، از او تعهد گرفتند که هر نوع اطلاعی از حضرت مهدی داشتید به مأمورین آمریکایی بدهید و مزدگانی دریافت کنید.

همچنین «خبرگزاری فارس» در تاریخ 1382/02/16 این قضیه را مفصل آورده است. «روزنامه کیهان» و دیگر خبرگزاری‌ها در همان سال 1382 این قضیه را مفصل مطرح کردند.

همچنین آقای «فرانسیس فوکویاما» در سال 1986 میلادی در اوج پیروزی رزمندگان در جبهه مقاومت، در «تلاویو» سخنرانی داشت که در آنجا در رابطه با حضرت مهدی مفصل صحبت کرد.

این قضیه در بسیاری از خبرگزاری‌ها آمد. تصویری که مشاهده می‌کنید، تصویر آقای «فوکویاما» یکی از بزرگترین کارشناسان آمریکاست که مدتی هم معاون سازمان سیا بوده است.

ایشان در آنجا یکی از خطرهای بزرگی که برای شیعه مطرح می‌کند، این است که می‌گوید: "شیعه دو بال سرخ و سبز دارد و با این دو بال سرخ و سبز در طول تاریخ موفق بوده است. بال سرخ بال شهادت و قیام و عزاداری برای امام حسین است و بال سبز بال انتظار است."

ایشان جمله جالبی که دارد، این است که می‌گوید: "شیعه همواره امیدوار هست و آدم امیدوار شکست ناپذیر است. اگر ما بخواهیم با شیعیان مبارزه کنیم، باید این دو رمز موفقیت را با ساختن مهدی‌های دروغین از آنها بگیریم."

الآن که بنده با شما صحبت می‌کنم، در عراق بیش از بیست و پنج نفر مدعی مهدویت وجود دارد. یکی از آنها آقای «احمد بصری» است. البته ایشان مدعی است من فرزند پنجم حضرت مهدی (ارواحنا لتراب مقدمه الفداء) هستم.

من همان سید یمانی هستم و جدم به من مأموریت داده است موانع فرج را برطرف کنم. یکی از موانع فرج، وجود مراجع تقلید و دیگری روحانیت است. ما باید اینها را از دم شمشیر بگذرانیم و از بین ببریم تا حضرت ولی عصر ظهور کند!!

یکی از ائمه جماعاتِ تابعین «احمد الحسن» در یکی از بخش‌های قم به نام «جعفریه» سخنرانی داشت که فایل صوتی مطالب او هم موجود است. ایشان به مردمی که برای نماز جمعه آمدند، می‌گوید: "بروید فرش‌ها و ماشین و کتاب‌هایتان را بفروشید و اسلحه تهیه کنید. زمانی که امام ما «احمد الحسن» دستور داد، ما باید آخوندها و روحانی‌ها را پانصد نفر پانصد نفر قتل عام کنیم تا حضرت مهدی بیاید."

در حال حاضر مدعیان یمانی بیش از دویست جلد کتاب تألیف کردند و در سایت‌هایشان گذاشتند و دو رسانه جهانی در اختیار دارند.

بنده خودم توفیق داشتم کتاب‌های اتباع «احمد الحسن» را عمدتاً صفحه به صفحه و سطر به سطر خواندم. شاید کمتر کسی پیدا شود که به اندازه بنده روی کتاب‌های فرقه «احمد الحسن» وقت گذاشته باشد. بنده همچنین جلسات سخنرانی مختلفی در زمینه نقد اندیشه‌های او داشتم.

فرقه «جند السماء» که بخش نظامی تابعین «احمد الحسن» است، در سال 1385 برای کشتن آیت الله العظمی سیستانی و طلاب به نجف حمله کردند.

پلیس عراق متوجه شد، دو طرف باهم درگیر شدند و بیش از دویست و پنجاه تن از اتباع «احمد الحسن» کشته شدند. پلیس عراق مدعی است «احمد الحسن» و معاونش کشته شد، اما این افراد ادعا می‌کنند چنین نیست.

اتباع او می‌گویند «احمد الحسن» جان سالم به در برد، از آنجا به بحرین پناهنده شد و از آنجا هم دو سال قبل به «استرالیا» رفته و آنجاست!!

او تنها از طریق «فیسبوک» با مردم ارتباط دارد و هیچ تصویری از او ندارد و حتی یک ثانیه فیلم هم از او منتشر نشده است. در حال حاضر پسر او در یکی از دانشگاه‌های استرالیا مشغول تدریس است.

اتباع «احمد الحسن» در همان سال می‌خواستند شب تاسوعا به کربلا حمله کنند و زائرین حرم امام حسین و حضرت ابوالفضل را قتل عام کنند، اما قبل از آنکه وارد بشوند پلیس عراق وارد شد و عده‌ای از این افراد را دستگیر و عده‌ای هم فرار کردند.

این افراد منتظر هستند و اعلام کردند که اگر آمارمان به ده هزار نفر برسد، قیام مسلحانه خواهیم داشت. این افراد در مصر برنامه‌هایی داشتند، اما با شکست مواجه شدند. آنها در عربستان سعودی قسمت «احساء» و «قطیف» هم فعالیت گسترده‌ای داشتند.

دوست عزیز و ارجمندمان جناب آقای «شیخ علی آل محسن» بیست و شش جلسه مناظره آنلاین با اتباع «احمد الحسن» داشت و آنها را کاملاً مفتضح کرد و جوانان شیعه را آگاه کرد.

متأسفانه ما می‌بینیم این افراد در ایران هر روز در حال گسترش هستند و آنگونه که باید با این افراد از طریق رسانه و فضای مجازی برخورد شود، نشده است.

البته لیدرهای این افراد مثل آقای «جوکار» که یکی از اساتید حوزه و مدرس بحث مکاسب بود و «عباس فتحیه» یکی از شاگردان آیت الله جوادی آملی از طریق مقامات امنیتی دستگیر شدند.

در جلسه‌ای که چند روز قبل با تعدادی از قضات دادگاه ویژه قم داشتیم، یکی از آقایان گفت: ما به این نتیجه رسیدیم این افراد اصلاً به «احمد الحسن» معتقد نیستند، اما به جهت اینکه مقامی برای خود کسب کنند و پولی به دست آورند از این کانال وارد شدند.

در مقابل یک عده افراد بی‌اطلاعی هم هستند که با چند مورد خواب دیدن و استخاره کردن، گمراه می‌شوند.

البته عرض کردم که بنده در رابطه با «احمد الحسن» حرف زیاد دارم. شاید بتوان گفت بنده ده‌ها جلسه مطلب در رابطه با این قضیه دارم که ان شاء الله در آینده اگر فرصتی داشته باشیم در زمینه «احمد الحسن» جلساتی خواهیم داشت.

یکی از کسانی که در این زمینه واقعاً عمیق کار کرده است، بنده هستم که واقعاً وقت گذاشتم. شاید ما بیش از پنج هزار ساعت وقت روی کتاب‌ها و افکار و اتباع «احمد الحسن» داشتیم. ما جلسات مناظره‌ای هم توسط شاگردانمان داشتیم.

ما افراد زیادی را هم در تهران و قم و مشهد و تربت جام از این افراد جدا کردیم. ما در عراق با تعدادی از این افراد بحث کردیم و الحمدلله روشن شدند و برگشتند. آن‌ها طوری برگشتند که شروع به لعن و سب کردن «احمد الحسن» نمودند.

مجری:

خیلی ممنونم. حاج آقا بنده در همین جا سؤال بعدی را پیوند این سؤال بپرسم. شاید از اطرافیان بینندگان بزرگواری که بیننده این برنامه هستند افرادی باشند که در این مسیر قرار گرفته باشد. چکار کنیم که فریب این افراد را نخوریم؟!

پاسخ:

در رابطه با این افراد چند مسئله وجود دارد. بحث علمی کردن با این افراد کاملاً اشتباه است. بنده به همه دوستانی که می‌خواهند در این زمینه کار کنند، توصیه می‌کنم با این افراد بحث علمی به هیچ وجه نکنند.

این آقایان در کتاب‌هایشان اهانت‌ها و جسارت‌هایی به مقدسات شیعه دارند. اگر ما همین اهانت‌ها را برای مردم بیان کنیم و بگوییم این افراد این چنین هستند، نتیجه خواهیم گرفت.

به عنوان مثال «احمد الحسن» در کتاب خود نسبت به امام حسین (علیه السلام) تعبیر بسیار وقیح و زشتی دارد که واقعاً انسان نمی‌داند با این افراد چکار کند.

به عنوان مثال او معتقد است که حضرت سیدالشهدا دارای شرک بوده است. بنده عیناً عبارت ایشان را نسبت به حضرت سیدالشهدا از کتاب‌هایشان نشان خواهم داد.

ایشان در کتاب «المتشابهات» جلد یک صفحه 19 می‌نویسد: "امام حسین در دعای عرفه شرک نفسانی که مخفی‌ترین نوع شرک است را اراده کرده است." در ذیل دعای عرفه آمده است:

«إِلَهِي أَخْرِجْنِي مِنْ ذُلِّ نَفْسِي وَ طَهِّرْنِي مِنْ شَكِي وَ شِرْكِي»

خداوندا مرا از خواری نفسم بیرون آر و از شک و شرکم پاک فرما.

بحار الأنوار، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح: جمعی از محققان، ج 95،

ص 226، ح 3

با اینکه این عبارت که در «مفاتیح الجنان» آمده است، در کتاب‌های دعای ما مثل کتاب «سید بن طاووس» و «شیخ طوسی» هیچکدام نیامده است بلکه از اضافات صوفیه است.

ایشان در کتاب «المتشابهات» جلد 4 صفحه 34 نسبت به امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) ادعا می‌کند که در وجود حضرت علی یک ظلمتی بود که اگر آن ظلمت نبود، قطعاً به جای پیغمبر اکرم می‌نشست!

ما تا به حال از وهابی‌ها چنین تعبیری نشنیدیم. به عنوان مثال ایشان در کتاب «المتشابهات» جلد چهارم صفحه 21 ادعا می‌کند که می‌توان از آیه شریفه:

«وَ كَانَ الْإِنْسَانُ أَكْثَرَ شَيْءٍ جَدَلًا»

ولی انسان بیش از هر چیز به جدل می‌پردازد

سوره کهف (18): آیه 54

چنین استفاده کرد که «علی بن ابی طالب» دچار باطل شده بود و با حق مجادله می‌کرد!! همچنین ادعا می‌کند آیه شریفه:

(إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ)

که انسان‌ها همه در زیان‌اند.

سوره عصر (103): آیه 2

در حق «علی بن ابی طالب» نازل شده است. حال آنکه ما روایاتی از امام صادق در کتاب «کمال الدین» اثر «شیخ صدوق» صفحه 656 داریم که:

«سَأَلْتُ الصَّادِقَ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ عَ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ الْعَصْرِ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ قَالَ ع الْعَصْرُ عَصْرُ خُرُوجِ الْقَائِمِ عِ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ يَعْنِي أَعْدَاءَنَا»

کمال الدین و تمام النعمة، نویسنده: ابن بابویه، محمد بن علی، محقق / مصحح: غفاری، علی اکبر، ج 2، ص 656، ح 1

حال این شخص ادعا می‌کند که مراد از **(إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ)** علی بن ابی طالب است. همچنین در کتاب «اقبال الأعمال» اثر «سید بن طاووس» صفحه 457 وارد شده است:

«(إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ) أَعْدَاءُ آلِ مُحَمَّدٍ»

إقبال الأعمال، نویسنده: ابن طاووس، علی بن موسی، ج 1، ص 457، فصل فی بعض تفصیل ما جرت علیه حال یوم الغدیر من التعظیم و التبجیل

مشاهده کنید اینها اهانت‌هایی است که «احمد الحسن» به ائمه اطهار دارد. ما یکی از دوستان را به شهریار فرستادیم تا با تعدادی از کسانی که جذب این فرقه شده بودند و اهل هیئت هم بودند، صحبت کند.

این هیئت متعلق به یکی از مداحان مشهور بود که بنده نمی‌خواهم نامی از او ببرم. شخصی که از طرف ما رفته بود، می‌گفت: من با این افراد حدود یک ساعت بحث کردم، اما آنها متقاعد نشدند.

در نهایت به آنها گفتم: شما برای چه به هیئت می‌روید؟! آنها گفتند: به عشق امام حسین. گفتم: اگر من بگویم امام حسین مشرک بوده است، چکار می‌کنید؟! یکی از آنها چند توهین رکیک به بنده داد و گفت: اگر شما چنین عقیده‌ای داشته باشید، مستحق این القاب هستید.

من کتاب «المتشابهات» اثر «احمد الحسن» را نشان دادم و گفتم: بخوان! او یک مرتبه کتاب را خواند و آن را زمین گذاشت. قدری تأمل کرد و باز هم کتاب را خواند.

این شخص سه مرتبه مطلب را خواند، کتاب را پرت کرد و شروع کرد به «احمد الحسن» شدیدترین لعن و شدیدترین سب نثار کرد. اگر ما با این افراد احساسی برخورد کنیم، نتیجه خواهیم گرفت.

«احمد الحسن» حتی نسبت به حضرت یونس (علی نبینا و آله و علیه السلام) در کتاب «المتشابهات» جلد چهارم صفحه 98 می‌گوید: حضرت یونس که وارد شکم ماهی شد، در شکم ماهی مرد و وارد آتش جهنم شد و تا قیام قیامت در آتش جهنم خواهد ماند؛

«و روحه تلبس فی طبقات جهنم الی یوم یبعثون»

ایشان در ترجمه کتاب «المتشابهات» جلد 4 صفحه 104 می‌نویسد: "خدا روح حضرت یونس را به سوی جهنم فرستاد و روحش در طبقات جهنم تا روز برانگیخته شدن باقی ماند!" و این ادعا، کاملاً ضد قرآن کریم است.

مجری:

حاج آقا ببخشید این افراد چه دلایلی برای اثبات حرف‌های خود می‌آورند؟! آیا آنها دلایلی دارند یا همینطوری می‌گویند؟!

پاسخ:

همینطور از نزد خود می گویند. آن‌ها هیچ دلیلی هم ندارند و می گویند که برداشت و عقیده من این است. این افراد یک سری ادله‌ای برای اصل کار خود دارند که به حدیث وصیت استدلال می‌کنند. حدیث وصیتی که صدر و ذیل آن کاملاً با همدیگر منافات دارد.

مجری:

خیلی ممنونم از اینکه همراه برنامه «عصر انتظار» هستید. در محضر حضرت آیت الله دکتر حسینی قزوینی عزیز هستیم و در مورد حوزه مهدویت و پاسخ به سؤالات و شبهات این حوزه صحبت می‌کنیم.

با توجه به اینکه در مجموعه و استودیویی که ما حضور داریم، هم رعایت فاصله اجتماعی شده و هم همه پروتکل‌ها رعایت شده است با احترام به محضر همه بینندگان بزرگوار اجازه می‌خواهم ماسک را بردارم و از حاج آقا هم خواهش می‌کنم ماسکشان را برداند.

برداشتن ماسک به این جهت است که ما بتوانیم صدا با کیفیت بهتری را تقدیم بینندگان بزرگوار کنیم.

مجری:

پیرو سؤال قبل که در مورد فرقه‌ها و دشمنی غرب در حوزه مهدویت خدمت شما بودیم، بزرگواران پرسیدند که ما چکار کنیم که در این دام نیفتیم یا اصطلاحاً چطور می‌توانیم مقابله کنیم تا فریب این افراد را در حوزه مهدویت نخوریم؟!

آشنایی با برخی اندیشه‌های انحرافی «احمد الحسن»!

پاسخ:

فرقه‌های نوظهور چه «احمد بصری» باشد، چه «منصور خراسانی» باشد که به تازگی آمده و خیلی قوی‌تر و گسترده‌تر از «احمد الحسن» جلو می‌رود؛ جوانان ما را فریب می‌دهند. این افراد به نام حضرت مهدی برای حضرت مهدی دشمن سازی می‌کنند!!

عمده عقیده این افراد بر این است که مانع ظهور حضرت ولی عصر (ارواحنا فداه) وجود مراجع عظام تقلید و روحانیت هستند. شعار این افراد این است که ما باید مراجع و روحانیت را از بین ببریم تا حضرت ولی عصر ظهور کند.

این افراد یک سری ادله‌ای دارند که ادله‌شان سست‌تر از بیت عنکبوت است. اتباع «احمد الحسن» به کسانی که آنها را فریب می‌دهند، می‌گویند: استخاره کنید، اگر آیه عذاب آمد ما باطل هستیم و اگر آیه بشارت آمد ما بر حق هستیم.

بارها اتفاق افتاده است که شخص استخاره کرده و آیه عذاب آمده است. وقتی به این افراد می‌گویند که استخاره کردم و آیه عذاب آمد، می‌گویند که نیت خود را پاک کنید و دومرتبه استخاره کنید.

وقتی شخص بعد از چند مرتبه صاف کردن نیت بازهم استخاره می‌کند و آیه عذاب می‌آید، به او می‌گویند: خداوند عالم نمی‌خواهد تو را هدایت کند، تو اهل جهنم هستی!!

همچنین به افراد می‌گویند که فلان شب خواب می‌بینید. «احمد الحسن» خود مدت‌ها در هند بوده و ریاضت‌های مختلفی کشیده است. او از نظر هیپنوتیزم ید طولایی دارد و شاگردانی هم در این زمینه تربیت کرده است.

هیپنوتیزم علمی است که می‌تواند در ذهن و افکار شما اثر بگذارد و دنیای علم هم آن را پذیرفته است.

به عنوان مثال اتباع «احمد الحسن» به شما می‌گویند که قرار است شب جمعه خوابی ببینید و دقیقاً هم خواب می‌بینید. اتباع او فردا صبح به شما زنگ می‌زنند و می‌گویند که آیا خواب دیدی یا نه؟! شما می‌گویید: بله.

آنها به شما می‌گویند: آقایی را در خواب دیدی؟! شما می‌گویید: بله. آنها می‌گویند: او امیرالمؤمنین بود که آمده بود به شما بشارت دهد که «احمد بصری» بر حق است.

همچنین می‌گویند: خانمی را در خواب دیدی که گوشه‌ای راه می‌رفت؟! شما می‌گویید: بله. آنها می‌گویند: او حضرت فاطمه زهرا بود.

عده‌ای افراد هم هستند که هرکاری می‌کنند، خوابی نمی‌بینند. اتباع «احمد الحسن» به آنها می‌گویند: به جهت اینکه راه هدایت به روی شما بسته شده است، خواب نمی‌بینید. این افراد به یک سری روایات ضعیف استدلال می‌کنند.

بنده معتقدم در مواجهه با فرقه «احمد بصری» یا «منصور خراسانی» و دیگران که امروزه در حوزه‌های علمیه ما و میان جوانان و شیعیان نفوذ کردند و قدم به قدم جلو می‌روند، باید بحث‌های احساسی کنیم.

به عنوان مثال بنده عرض کردم «احمد بصری» در کتاب «المتشابهات» نسخه عربی جلد چهارم صفحه 98 به صراحت نسبت به حضرت یونس می‌گوید:

«ان یونس مات فی بطن الحوت و روحه نظرت إلی ظلمات جهنم»

این مطلب در نسخه فارسی این کتاب نیز موجود است. ما این مطالب را صفحه به صفحه و سطر به سطر مطالعه و استخراج کردیم.

او در ادامه می‌نویسد: "خدا روح حضرت یونس را به سوی جهنم فرستاد و روحش در طبقات جهنم تا روز برانگیخته شدن باقی ماند."

شما ادعاهای او را در مورد حضرت یونس در یک کفه ترازو بگذارید و فرمایش قرآن کریم را هم در مورد حضرت یونس در کفه دیگر ترازو بگذارید. قرآن کریم در سوره مبارکه انبیاء آیات 87 و 88 وقتی به حضرت یونس می‌رسد، می‌گوید:

(فَاسْتَجِبْنَا لَهُ وَ نَجَّيْنَاهُ مِنَ الْعَمِّ وَ كَذَلِكَ نُنْجِي الْمُؤْمِنِينَ)

ما دعای او را به اجابت رساندیم، و از آن اندوه نجاتش بخشیدیم، و همین گونه مؤمنان را نجات می‌دهیم.

اصلاً این آیه قرآن کریم به سنت تبدیل شده است. کسی مانند حضرت یونس که در شکم ماهی توبه و استغفار کرد و فرمود:

(لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ)

خداوندا! جز تو معبودی نیست، منزهی تو، من از ستمکاران بودم.

سوره انبیاء (21): آیات 87 و 88

قرآن کریم می‌فرماید: هر انسان مؤمنی به این شکل استغفار کند و از خداوند کمک بخواهد؛ **(فَاسْتَجِبْنَا لَهُ وَ نَجَّيْنَاهُ مِنَ الْعَمِّ وَ كَذَلِكَ نُنْجِي الْمُؤْمِنِينَ)**.

ولی ایشان ادعا می‌کند حضرت یونس به جهنم وارد شده و تا قیامت آنجاست!! همچنین خداوند متعال در سوره مبارکه صافات می‌فرماید:

(وَ إِنَّ يُونُسَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ)

و یونس از رسولان ما بود.

این شخص ادعا می‌کند که حضرت یونس به جهنم رفته است. این انکار قرآن کریم است.

(فَتَبَدَّلْنَا بِالْعَرَاءِ وَهُوَ سَقِيمٌ)

(به هر حال ما او را رهایی بخشیدیم و) او را در یک سرزمین خشک خالی از گیاه افکندیم در حالی که بیمار بود.

(وَ أَنْبَأْنَا عَلَيْهِ شَجَرَةً مِنْ يَقْطِينٍ)

و کدوبنی بر او رویاندیم (تا در سایه برگهای پهن و مرطوبش آرامش یابد).

(وَ أَرْسَلْنَاهُ إِلَى مِائَةِ أَلْفٍ أَوْ يَزِيدُونَ)

و او را به سوی جمعیت یکصد هزار نفری، یا بیشتر، فرستادیم.

خداوند متعال می‌فرماید: بعد از اینکه ما یونس را از شکم ماهی نجات دادیم، او را به سوی قومش که صد هزار و اندی نفر داشت فرستادیم.

(فَأَمَّنُوا فَمَرَّغْنَاهُمْ إِلَى حِينٍ)

آن‌ها ایمان آوردند و تا مدت معلومی آنان را از مواهب زندگی بهره‌مند ساختیم.

سوره صافات (37): آیات 139 تا 148

بین این آیات الهی نشانگر این است که این شخص از یک جهت منکر آیات قرآن کریم است، از یک جهت به پیغمبری اهانت و جسارت می‌کند و از طرف دیگر نسبت به کسی که از طرف خداوند عالم مرسل است ادعا می‌کند اهل جهنم است.

اگر کسی یک جو عقل و فکر داشته باشد و ترجمه قرآن کریم را بلد باشد، به حقیقت دست پیدا می‌کند.

کتاب «احمد الحسن» را در سایت‌ها گذاشته‌اند و نسخه فارسی را هم خود ترجمه کرده‌اند. آدرس کتاب را هم بنده دادم. عرب زبان‌ها به نسخه عربی جلد چهارم صفحه 98 مراجعه کنند. این مطلب در نسخه فارسی جلد چهارم صفحه 104 است.

دوستان کتاب «احمد الحسن» را ملاحظه کنند و آیات سوره‌های انبیاء و صافات را هم ملاحظه کنند. همچنین در کتاب «تفسیر قمی» که به تعبیر آیت الله العظمی خوئی تمام روایات آن ثقة هستند، در جلد اول صفحه 317 داستان حضرت یونس را مفصل نقل می‌کند.

نکته دیگر اینکه، قرآن کریم به صراحت می‌فرماید:

(مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِّن رِّجَالِكُمْ وَلَٰكِن رَّسُولَ اللَّهِ وَ خَاتَمَ النَّبِيِّينَ)

محمد پدر هیچیک از مردان شما نبود، ولی رسول خدا و خاتم و آخرین پیامبران است.

سوره احزاب (33): آیه 40

ولی «احمد الحسن» در کتاب «نبوت خاتمه» صفحه 19 می‌نویسد:

«انتهاء النبوة و توقفها أمر غیر صحیح»

ختم نبوت امر غیر صحیح است.

«من قال بختم النبوة مطلقاً بالرسول محمد فقد خالف الروایات القائلة بإستمرار النبوة بعد الرسول»

هرکسی بگوید نبوت با آمدن رسول اکرم خاتمه یافته است، مخالف روایات قائل استمرار نبوت بعد از رسول است.

حال اینکه کدام روایات است، معلوم نیست و او دیگر روایاتی در این خصوص نمی‌آورد. از طرف دیگر ایشان به صراحت می‌گویند: من هم مقام نبوت دارم و هم مقام رسالت دارم!

اگر کسی ذره‌ای عقل و شعور داشته باشد، با ملاحظه این مطالب به حقیقت پی خواهد برد. آقایان به کتاب «متشابهات» نسخه فارسی جلد چهارم صفحه 135 و نسخه عربی جلد چهارم صفحه 123 مراجعه کنند.

بنده عرض کردم کتاب‌های «احمد الحسن» را صفحه به صفحه و سطر به سطر خوانده‌ام. بنده بیش از پنج هزار ساعت وقت گذاشتم و دویست کتاب را خواندم.

ما مشاهده کردیم عده‌ای از عزیزان ما در حوزه علمیه به طرف ایشان می‌روند. حتی در استان شما هم مواردی داشتیم که در شهر و روستا جذب این فرقه شده‌اند.

یکی از توفیقاتی که ما داشتیم، این بود که در سطح کشور نزدیک به پنجاه استاد فوق تخصص در مبارزه با «احمد الحسن» تربیت کردیم، به طوری که اگر آقایان بخواهند کلاس بگذارند دست ما باز است.

ما در مشهد که تقریباً وضعیت «احمد الحسن» در حد قرمز است، بیرجند، کاشمر و بعضی دیگر از شهرها جلسات مختلفی در جمع طلبه‌ها و اساتید و دانشجویان گذاشتیم. اساتید ما آماده هستند با هر فردی از اتباع «احمد الحسن» مناظره کنند.

بنده بارها گفتم که ما احساس کردیم خطر این افراد از خطر منافقین و داعش بسیار بیشتر است.

اخیراً شخص دیگری به نام «منصور هاشمی خراسانی» آمده است و اشکالاتی که «احمد بصری» داشت را کنار زده و با یک روش فلسفی و عقلی جلو می‌رود که از «احمد الحسن» هم به مراتب خطرناک‌تر است!!

دشمن که در جبهه نظامی و جبهه‌های فرهنگی شکست خورده است، از درون شیعه با شیعه علیه شیعه کار می‌کند.

بنابراین حوزه‌های علمیه و مراکز فرهنگی موظف هستند در این زمینه کار کنند. بنده از صدا و سیمای استان تقاضا می‌کنم در این زمینه برنامه‌های مختلفی بگذارند.

بنده عرض کردم با این افراد بحث علمی نداشته باشید، زیرا بحث علمی را توجیه می‌کنند. شما هرچه می‌آورید، آنها بحث را به مغلظه می‌کشانند.

ولی وقتی شما کتاب «احمد الحسن» را نشان می‌دهید و می‌گویید که او ادعا می‌کند امام حسین مشرک بوده است، در مخاطب اثر خواهد داشت. آیا یک شیعه نستجیر بالله حاضر است بپذیرد در وجود حضرت سیدالشهدا شرک بوده است؟!

«احمد الحسن» خود ادعا می‌کند من الحمدلله از کسانی هستم که خداوند منیت و شرک را از وجود من برداشته است. ولی نسبت به حضرت سیدالشهدا ادعای مشرک بودن می‌کند.

این مطلب در کتاب «المتشابهات» نسخه عربی جلد 2 صفحه 19 و نسخه فارسی جلد دوم صفحه 30 مطرح شده است.

کدام شیعه حاضر است این ادعا را بپذیرد؟! اگر شما این مطلب را به پیرزنی که پشت کوه زندگی می‌کند و از فرهنگ اسلامی هم بی‌خبر است بگویید، لنگه کفش خود را برمی‌دارد و به دهان طرف مقابل می‌کوبد!

ولی ما می‌بینیم یک سری افرادی در حوزه‌های علمیه یا آموزش و پرورش یا بعضی از نیروهای نظامی و انتظامی ما فریب این افراد را می‌خورند. ما واقعاً متعجب مانديم!

بنده بارها عرض کردم که الحمدلله رب العالمین حدود دویست مناظره در خاک عربستان سعودی داشتم. بنده همچنین چندین جلسه مناظره با قطب‌های صوفیه داشتم. ما اوایل انقلاب با کمونیست‌ها و اتباع «طبری» چندین مناظره در گیلان داشتیم.

بنده فاسدتر، بی سوادتر و بی محتواتر از فرقه «احمد الحسن» ندیدم. ما باید با این افراد احساسی برخورد کنیم، به طوری که کتاب‌های «احمد الحسن» را برای افرادی که جذب او شده‌اند باز کنیم و از او بخواهیم آنها را بخواند.

بعد از آن قرآن را پیش روی او باز کنیم و بگوییم گفته‌های او را با قرآن کریم و روایات مقایسه کند.

ایشان ادعا می‌کند که من هم مقام نبوت دارم و هم مقام امامت دارم. او در کتاب «المتشابهات» جلد چهارم صفحه 123 می‌گوید: مهدیون اثناعشر بعد از حضرت مهدی می‌آیند و من اولین آنها هستم،

«لهما مقاما الرسالة و الولاية»

این در حالی است که امام رضا (علیه السلام) می‌فرماید:

«مَنْ قَالَ إِنَّا أَنْبِيَاءُ فَعَلَيْهِ لَعْنَةُ اللَّهِ»

هرکسی بگوید من بعد از رسول اکرم مقام نبوت دارم لعنت خدا بر او باد.

«وَمَنْ شَكَّ فِي ذَلِكَ فَعَلَيْهِ لَعْنَةُ اللَّهِ»

هرکسی هم بر لعنت او شک کند لعنت خداوند بر او باد.

رجال الكشي- إختيار معرفة الرجال، نویسنده: کشی، محمد بن عمر، محقق / مصحح: طوسی، محمد

بن الحسن / مصطفوی، حسن، ص 301، ح 540

اگر ما این کتاب‌ها را در یک کفه بگذاریم و تفکرات «احمد بصری» را هم در کفه دیگر بگذاریم، دیگر اصلاً نیازی به بحث نداریم. از طرف مقابل بخواهیم به ما جواب دهد و ما را قانع کند.

قبل از اینکه شما سؤال بعد را بفرمایید، بنده دو نکته هم در رابطه با «احمد بصری» عرض کنم. «احمد بصری» کتابی به نام «دعوت سید احمد الحسن» دارد.

ایشان در این کتاب صفحه 9 و همچنین کتاب «المتشابهات» جلد 4 صفحه 34 می‌گوید: "هرکسی از سال 1426 هجری به بعد به من ایمان نیاورد، کافر است!" ایشان تمام مسلمانان را کافر و جنگ با آنها را واجب می‌دانند!!

مجری:

حال چرا سال 1426 را مطرح کرده است؟!

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

این افراد در سال 1999 میلادی ظهور کردند و در حال حاضر بیست سال از ظهور این افراد می‌گذرد. ایشان معتقد است بعد از اینکه من ظهور کردم هرکسی به من ایمان نیاورد کافر است، نه مشرک! این عین ادعایی است که وهابیت دارد.

جالب اینجاست که او نسبت به مراجع عظام تقلید و قویح‌ترین تعبیر را دارد. او می‌گوید: "رهبری ایران مصداق طاغوت است. ما باید طبق آیه:

(فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنِ بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ لَا انْفِصَامَ لَهَا)

بنا بر این، کسی که به طاغوت [بت و شیطان، و هر موجود طغیانگر] کافر شود و به خدا ایمان آورد، به دستگیره محکمی چنگ زده است، که گسستن برای آن نیست.

سوره بقره (2): آیه 256

نسبت به رهبری عمل کنیم. " این اهانت‌ها کوچک نیست که ما بخواهیم به سادگی از کنار آن عبور کنیم.

او همچنین نسبت به آیت الله العظمی سیستانی که دستور داد مردم در انتخابات شرکت کنند، در کتاب «المتشابهات» جلد اول صفحه 68 می‌نویسد: "این دستور آیت الله العظمی سیستانی دستور شیطانی است." «احمد الحسن» و اتباع او توهین‌هایی به مراجع عظام تقلید دارد که وهابیت این چنین حرمت شکنی به مراجع نداشتند.

بنده از همه عزیزان عذرخواهی می‌کنم، اما ایشان در کتاب «در محضر عبد صالح» جلد دوم می‌نویسد: "مراجع ما همه شهوتران و همگی به دنبال دنیا هستند." وقتی خداوند عالم در قرآن کریم نسبت به فرعون می‌فرماید:

(وَ قَالَ فِرْعَوْنُ يَا هَامَانَ ابْنِ لِي صِرْحًا لَعَلِّي أَبْلُغُ الْأَسْبَابَ الْأَسْبَابِ السَّمَاوَاتِ فَأَطَّلِعَ إِلَى إِلَهِ مُوسَى)

فرعون گفت: ای هامان! برای من بنای مرتفعی بساز شاید به وسائلی رسم. وسائلی (صعود به) آسمان‌ها، تا از خدای موسی آگاه شوم.

سوره غافر (40): آیات 36 و 37

اگر قرآن کریم این آیه را نیاورده بود و ما می‌گفتیم، ادعا می‌کردند که شما دارید به خداوند توهین می‌کنید! او همچنین می‌گوید: "کتاب علمای شیعه فقط به درد یک مشت خرفت می‌خورد"، "در حوزه‌های علمیه ما تنها جهل و جهالت حاکم است".

بنده عرض کردم در این زمینه الی ماشاءالله حرف برای گفتن دارم، نه یک جلسه و دو جلسه. بنده به اندازه چهار ترم دو و نیم واحدی دانشگاه حرف برای گفتن دارم. ما باید اطلاع رسانی کنیم و قبل از آنکه جوانان ما اسیر این شیاطین شوند آنها را آگاه کنیم.

زمانی که جوان به سمت شیاطین کشیده می‌شود و ذهنش آلوده می‌شود، پاک کردن ذهن آلوده بسیار برای ما هزینه و زحمت دارد تا این شبهه را از ذهن او بیرون کنیم. ما باید اطلاع رسانی کنیم و بگوییم که این فرقه چنین خطراتی دارند و مراقب و آگاه باشید.

این افراد دو شبکه ماهواره‌ای در اختیار دارند و شبانه روز کار می‌کنند. همچنین شاید بیش از سی، چهل کانال و گروه و وبلاگ و سایت دارند و جزو فعال‌ترین افراد در فضای مجازی هستند.

اگر ما بخواهیم یک مصداق برای فرمایش مقام معظم رهبری که فرمودند: "فضای مجازی به قتلگاه جوانان تبدیل شده است" بیاوریم، تبلیغات «احمد بصری» و «هاشمی خراسانی» و اتباعشان هستند. آن‌ها به نام شیعه در درون شیعه، شیعه را منحرف می‌کنند.

مجری:

ان شاء الله خداوند لعنتشان کند. طبیعتاً مسئولیت دوستان بزرگواری که این سخنان را می‌شنوند، قدری سخت‌تر خواهد بود.

آیا بهترین راه در پذیرش روایت، بررسی سندی است!؟

سؤال پنجم:

یکی از حضار بزرگوار سؤالی پرسیدند و طبیعتاً مورد بحث بسیاری از بزرگواران خواهد بود. کسانی که تخصص لازم را در شناخت احادیث از نظر سند ندارند و کارشان تدریس مباحث مهدویت است، بهترین راهکار برای استفاده از احادیث و رجوع به آنها چیست!؟

پاسخ:

اولاً اگر ما بخواهیم تمام روایات را بررسی سندی کنیم، امکان پذیر نیست. آیت الله العظمی صافی گلپایگانی سه هزار و ششصد و شصت و شش روایت آورده است که اگر بخواهیم آنها را بررسی سندی کنیم امکان پذیر نیست.

شیعیان و اهل سنت در اصول، یک قاعده رجالی دارند که اگر یک روایت با سه سند یا بیشتر آمد، «مستفیض» است و روایت «مستفیض» قابل استناد است.

بنده از امام خمینی، آیت الله العظمی خوئی، «مرحوم شهید» و «صاحب جواهر» بیش از پنجاه مورد آورده‌ام که بر این عقیده هستند در اینجا روایت مستفیض است و ما نیازی به بررسی سندی نداریم. همین اندازه که می‌بینیم روایات مخالف با عقل و منطق نیست، آن را می‌پذیریم. طبق قاعده اصولی:

«يعرض كل حديث على كتاب الله فما وافقه فخذوه وما خالفه فاضربوه على الجدار»

اصطلاحات الأصول، نویسنده: الشيخ علی المشکینی، ص 229، باب الكتاب والقرآن والمصحف والفرقان

ما وقتی دیدیم روایتی با چند سند آمده که شیعه و اهل سنت هم آن را نقل کرده اند، اعتماد عقلایی برای ما حاصل می‌شود که به این روایت عمل کنیم.

اگر قرار باشد ما بخواهیم این روایات را تک تک بررسی سندی کنیم، با مشکلاتی مواجه می‌شویم. اولاً ما در زمینه مهدویت، مصادر زیادی به آن شکل نداریم. ما تنها چند کتاب اختصاصی در این زمینه همانند کتاب «کمال الدین» اثر «شیخ صدوق» و «غیبة نعمانی» و «الغیبة» اثر «شیخ طوسی» داریم. ما از میان کتاب‌هایی که اختصاصاً در این زمینه مهدویت است، تنها همین سه کتاب را داریم.

اهل سنت هم کتاب زیاد دارند. «مسند احمد بن حنبل» که شاید سی سال قبل از ولادت حضرت مهدی نوشته شده است، عمدتاً روایات مهدویت را آورده است. ایشان در این کتاب هم روایات صحیح دارد و هم روایات ضعیف دارد.

یکی از علمای دانشگاه أم القرى مکه کتابی تحت عنوان «الأحاديث الصحيحة فى المهدى و الأحاديث الضعيفة فى المهدى» نوشته است.

ایشان با نگاه وهابی احادیث را تصحیح کرده است و با مبنای وهابی روایات را تضعیف کرده است. این کتاب به درد کار ما نمی‌خورد. ایشان همانجایی که روایات را تضعیف می‌کند، یک روایت را می‌آورد و چندین سند برای آن ذکر می‌کند.

«ابن تیمیه» در کتاب «مجموع الفتاوى» جلد 18 صفحه 26 می‌گوید:

«فإن تعدد الطرق وكثرتها يقوى بعضها بعضاً حتى قد يحصل العلم بها ولو كان الناقلون فجارا فساقا»

اگر روایتی طرق متعدد و زیادی داشت برای ما علم می‌آید که بعضی از آنها بعضی دیگر را تقویت می‌کنند، هرچند ناقلین روایت فجار و فساق هستند.

کتاب و رسائل و فتاوی شیخ الإسلام ابن تیمیه، اسم المؤلف: أحمد عبد الحليم بن تيمية الحراني أبو العباس، دار النشر: مكتبة ابن تيمية، الطبعة: الثانية، تحقيق: عبد الرحمن بن محمد بن قاسم العاصمي النجدي، ج 18، ص 26

البته ما چنین ادعایی نمی‌کنیم، بلکه ما می‌گوییم برای ما اطمینان عقلایی می‌آید. به عنوان مثال پنج نفر گفتند که ما ماه را دیدیم. برای ما اطمینان عقلایی حاصل می‌شود که الآن اول ماه مبارک رمضان یا اول شوال است و تردید نمی‌کنیم.

در مورد روایات هم همینطور است، ما باید با مبنای عقلی جلو برویم. اگر ما بخواهیم به این شکل پیش برویم، روایات زیر سؤال می‌رود.

بعضی از آقایان کتاب «الصحيح من الكافي» نوشته‌اند که به نظر بنده بدترین خیانت را به شیعه کرده‌اند. همچنین شخص دیگری روایات صحیح و ضعیف «بحارالانوار» را از همدیگر تفکیک کرده است.

مراجع عظام تقلید و علمای حوزه علمیه از دو نفری که این کار را کرده‌اند، ناراحت هستند.

بنده این افتخار را داشتم که در حوزه علمیه قم بیست سال رجال تدریس کردم. در حال حاضر کتاب بنده به نام «المدخل إلى علم الرجال و الدراية» در حوزه علمیه غالباً به عنوان کتاب درسی تدریس می‌شود.

بنده معتقدم این دو بزرگوار که یکی از قم و دیگری از افغانستان هستند و خواستند احادیث صحیح و ضعیف را از همدیگر تفکیک کنند، مبنای خودشان را انتخاب کردند.

به عنوان مثال «سهل بن زیاد آدمی» نزدیک به دو هزار روایت دارد. تعدادی از فقها معتقدند روایات او صحیح و تعدادی دیگر بر این عقیده هستند که روایات او ضعیف است.

آیت الله العظمی خوئی یک جا به روایات او عمل کرده و یک جا روایات او را رد کرده است. ما چکار کنیم؟! بحث رجال اجتهادی است. همانطور که در فقه و اصول باید مجتهد باشیم، در رجال هم باید مجتهد باشیم.

مادامی که مبنای اجتهاد در رجال برای ما پیش نیامده است، نمی‌توانیم با تقلید پیش برویم و بگوییم فلانی گفته روایت صحیح است یا فلانی گفته ضعیف است. این تحقیق رجالی نیست، بلکه تقلید رجالی است و به درد نمی‌خورد.

مجری:

حاج آقا بسیار سپاسگذارم و خیلی ممنونم از همه بینندگان بزرگواری که همراه برنامه «عصر انتظار» هستند. در محضر «حضرت آیت الله دکتر حسینی قزوینی» هستیم و الحمدلله بهره وافی و کافی را می‌بریم.

نقش منکرین و مدعیان ظهور منجی، در ظهور امام زمان (علیه السلام) چیست؟

سؤال ششم:

آیا افرادی که اعتقاد به ظهور منجی ندارند، می‌توانند در تعجیل و ظهور حضرت حجت نقش داشته باشند؟! به عنوان نمونه ما شیعیان برای بحث مهدویت تلاش می‌کنیم، دعا می‌کنیم و بسیاری از کارهای دیگر از قبیل سه شنبه‌های مهدوی داریم.

اینهایی که اعتقاد دارند و یا اعتقاد ندارند، چه نقشی در ظهور امام زمان (علیه السلام) دارند؟!

پاسخ:

در خصوص سؤال اول شما باید عرض کنم که بحث منجی، فرامذهبی و فرادینی است. به عنوان مثال هندوها و بودائی‌ها به خداوند عقیده ندارند، اما به منجی عقیده دارند!!

هرکسی که واقعاً از کتاب‌ها و مبانی علمی خودشان اطلاعی داشته باشد، همگی منتظر روزی هستند که فردی خواهد آمد.

حال اینکه اسمش حضرت مهدی است، حضرت مسیح است یا منجی است این مسئله‌ای فرادینی است. هرکسی این عقیده را دارد، مگر اینکه از مبانی اعتقادی خودشان کاملاً بی‌اطلاع باشد.

در حقیقت مردم دنیا دو دسته هستند؛ یک سری قدرت‌مندان، زرمداران و زورمداران هستند. این افراد به هیچ وجه حاضر نیستند حضرت ولی عصر بیاید، زیرا با آمدن حضرت بساط این افراد برچیده خواهد شد.

این افراد تمام توان خود را برای مقابله با حضرت ولی عصر به کار برده‌اند. به خصوص آمدن آمریکا در منطقه و اسرائیل به همین جهت است. آن‌ها کلاس‌های متعددی در تلاویو برای مهدویت‌شناسی گذاشته‌اند، زیرا از این قضیه وحشت دارند.

دسته دیگری از افراد هستند که آگاه هستند و می‌دانند که کسی در آخرالزمان خواهد آمد و این افراد منتظر هستند. هرکسی به اندازه خودش با اصلاح خود و جامعه باید نقشی در ظهور حضرت مهدی داشته باشد.

حال حضرتعالی بیان کنید که ما شیعیان چه نقشی داریم؟ ما در طول هفته چند کار برای آمدن حضرت ولی عصر انجام می‌دهیم؟ غیر از اینکه ما در دعا‌های ندبه یا شب‌های جمعه به یاد حضرت ولی عصر هستیم، چه کاری انجام می‌دهیم؟!

شما روایاتی که در خصوص وظایف مردم در ایام ظهور است را بررسی کنید. ما باید در این خصوص جلسه مفصلی بگذارید.

یک ساعت به ما وقت بدهید تا بررسی کنیم وظیفه مردم به ویژه شیعیان در ایام غیبت نسبت به حضرت ولی عصر چیست. ما در این خصوص چه کارهایی انجام دادیم و چقدر به وظایف خود عمل کردیم؟!

بنده یک سال در جلسه خصوصی آیت الله العظمی بهجت شرکت کردم. بنده این جلسات را واقعاً یکی از بهترین ساعت‌های عمرم می‌دانم.

ایشان همواره می‌گفتند: شما وقتی برای حضرت ولی عصر دعا می‌کنید بلافاصله برای خودتان هم دعا کنید، زیرا زمانی که حضرت ولی عصر بیایند خدای نکرده شما از دشمنان حضرت نباشید.

آیت الله العظمی بهجت می‌فرمودند: زمانی که برای فرج حضرت ولی عصر دعا می‌کنید، بلافاصله برای فرج خودتان هم دعا کنید. ما چکار کردیم؟!

امام حسن عسکری می‌فرماید: کسانی می‌توانند ادعا کنند ما منتظر حضرت ولی عصر هستیم، که همانطور که یک مادر با چنان اضطراری دعا می‌کند که تنها فرزندش بیماری لاعلاج پیدا کرده و در حال جان دادن است، اگر آن چنان برای حضرت ولی عصر دعا کردید، شما به وظیفه خود عمل کردید و خداوند فرج حضرت ولی عصر را نزدیک می‌کند.

حضرت در ادامه می‌فرماید: خداوند فرج حضرت موسی را به خاطر یک زن دل شکسته هفتاد سال جلو انداخت.

زنی در کاخ فرعون مشغول بالا بردن گل و خشت بود که وسط پله‌ها درد زایمان گرفت. او همانجا نشست، اما مأمورین فرعون با شلاق شروع به زدن او کردند و گفتند: اینجا جای زایمان نیست.

زن دلش شکست و با حال اضطرار گفت: خدایا تا کی ما در غیبت حضرت موسی این چنین شکنجه شویم. خداوند عالم به خاطر دل شکسته آن زن هفتاد سال غیبت حضرت موسی را جلو انداخت.

حضرت می‌فرماید: برای فرزندم حضرت مهدی شما همانند زنی دعا کنید که با چنان اضطراری در حال از دست دادن تنها فرزندش است!

آیا از میان عزیزان حاضر در جلسه یا بینندگان عزیز برای کسی اتفاق افتاده که یک مرتبه با تمام وجود خدا را به عزت و جلالش سوگند دهد، خدا را به پهلو شکسته حضرت فاطمه زهرا و مضطرات کربلا یا هر شخص مقدسی که در نظر دارد سوگند دهد؟!!

آیا تاکنون در حالتی که موقع گرفتاری برای خودمان از خداوند حاجت می‌خواهیم، این چنین چند مرتبه برای حضرت ولی عصر دعا کردیم؟! اگر کسانی این چنین دعا کردند، خداوند واقعاً از آنها قبول کند و می‌گوییم که این افراد به وظیفه خود عمل کردند.

مسئله دیگر این است که حضرت ولی عصر برای اصلاح جهان می‌آید. وقتی من خودم را هنوز اصلاح نکردم زمانی که حضرت ولی عصر بیاید، می‌خواهم در کدام جبهه قرار بگیرم؟! آیا من خودم را آماده کردم؟! اصلاً یکی از مفاهیم انتظار این است که ما خودمان را برای آمدن حضرت ولی عصر آماده کنیم.

وقتی حضرت ولی عصر بیاید و ببیند من غیبت می‌کنم، دروغ می‌گویم، مال مردم را می‌خورم، از رانت استفاده می‌کنم یا گناهان دیگری مرتکب می‌شوم با من چکار می‌کند؟! آیا از من تشکر می‌کند یا برخورد دیگری با من دارد؟!!

اگر من واقعاً می‌خواهم برای حضرت ولی عصر کاری کنم، باید کاری انجام دهم که معقول باشد و با آیات و روایات و عقل تطبیق داشته باشد.

مجری:

بسیار عالی، خیلی ممنونم. دوستان بزرگوار سؤال فرمودند امکان دارد ما عکس از صفحات کتاب «المتشابهات» که اشاره فرمودید را برای داوطلبان ارسال کنیم؟!!

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

مسئله‌ای نیست. شما فلش در اختیار بنده قرار دهید تا ما این تصاویر را به دوستان برسانیم.

ما معمولاً این کتب را در اختیار کسانی که دوره دیده‌اند قرار می‌دهیم. استفاده کردن از پاورپوینت و این صفحات کتاب قدری سخت است.

این مباحث نیاز به دوره آموزشی دارد، اما ما این مطالب را خدمت آیت الله درّی و دوستان دیگر تقدیم می‌کنیم. بنده عصاره عقاید «احمد الحسن» و اتباع او را در این فایل آوردم.

فتنه ای جدید به نام «منصور هاشمی خراسانی»!!

سؤال هفتم:

به عنوان آخرین سؤال در زمان حدوداً پنج دقیقه که وقت پایانی برنامه ماست، اشاره کردند در مورد شخصیت «منصور خراسانی» یا «هاشم» و نحوه مقابله با تبلیغات آنها چطور می‌توانیم مقابله کنیم؟

پاسخ:

در رابطه با «منصور هاشمی خراسانی» باید بگوییم که او هم همین مسائل را قدری عریض‌تر و وسیع‌تر مطرح کرده است.

او همان افکار «احمد الحسن» را دارد، حتی راهپیمایی‌ها و عزاداری‌ها را باطل می‌داند. او بسیاری از عقایدی که شیعه دارد را انکار می‌کند و با روش‌های عقلی به انکار عقاید شیعیان می‌پردازد.

اگر بخواهیم وارد این مبحث شویم، خود دنیای دیگری دارد. ایشان هم همین تفکرات «احمد بصری» را دارد، اما اشکالاتی که «احمد بصری» به اهل بیت و انبیاء الهی دارد را ایشان ندارد.

او تناقض‌هایی که «احمد بصری» با قرآن کریم دارد را اصلاح کرده و از طریق عقلی وارد شده است. او عمدتاً روی فلسفه و عرفان زیاد کار کرده و در حال حاضر هم در دانشگاه‌ها یک سری اساتید و دانشجویان جذب او شده‌اند.

ایشان اصالتاً اهل افغانستان است و در حوزه علمیه مشهد درس خوانده است و هیچ جای مشخصی هم ندارد.

تفکرات او حول این محور است که ما باید تلاش کنیم موانع فرج را برطرف کنیم. موانع فرج هم جز روحانیت و مراجع عظام تقلید و شیعیان اسمی کسی دیگر نیست. ما باید این افراد را از بین ببریم تا بتوانیم مقدمات ظهور حضرت ولی عصر را فراهم کنیم.

سگ زرد برادر شغال است! این شخص برادر دوم «احمد الحسن» است. حال در خصوص اینکه سومین شخص چه کسی است، ما نمی‌دانیم.

طبق آماري که بنده دارم بيست و پنج نفر در عراق مدعی مهدویت هستند. در ایران هم الی ماشاءالله افرادی هستند که چنین ادعایی دارند.

بنده روزی داشتم برای درس به مدرسه فیضیه می‌رفتم. دم ورودی مدرسه شخصی جلوی مرا گرفت و گفت: من فرستاده حضرت مهدی هستم. به آیت الله خامنه‌ای بگویند به من ایمان بیاورد، زیرا می‌خواهم دنیا را اصلاح کنم. من گفتم: خداوند به تو عقل بدهد!

در جمکران چند مورد از این افراد را دستگیر کرده‌اند. در ایران موارد زیادی در این زمینه وجود دارد و ما از این موارد زیاد داشتیم.

بنده در این قسمت از مراکز امنیتی تشکر می‌کنم، زیرا خوب وارد شدند. با این حساب بنده رک بگویم نسبت به اتباع «احمد بصری» آنطور که ما توقع داریم کاری نشده و بنده راضی نیستم.

البته مراکز امنیتی ما لیدرهای اتباع «احمد الحسن» را دستگیر کرده‌اند و کار بسیار زیبایی است. کسانی که مبلغ و تأثیرگذار بودند، در حال حاضر همگی در قم در زندان هستند. این کار زیبایی از مراکز امنیتی بود.

ما باید بیاییم در سطح کشور در برابر تبلیغات این فرقه ایستادگی کنیم و نیروهایی را تربیت کنیم. ما اولاً باید اطلاع رسانی کنیم و ثانیاً کسانی که آلوده شدند را نجات دهیم.

در این زمینه ما توقع داریم مراکز امنیتی و حوزه‌های علمیه ورود پیدا کنند. ما انتقاد نداریم بلکه توقع داریم قدری مراکز امنیتی و حوزه‌های علمیه حضور فعال در این زمینه داشته باشند.

البته اجازه بدهید بنده در رابطه با «منصور هاشمی» نکته‌ای اضافه کنم. ایشان نسبت به مسائل سیاسی تعبیری دارد که بنده بابت نقل آن از عزیزان واقعاً عذرخواهی می‌کنم.

ایشان در کتاب خود به نام «دروازه‌ای به سوی ملکوت» صفحه 41 به صراحت می‌گوید: "امام خمینی عوام فریب و بی حیا بوده است!"

او همچنین در کتاب «مجموعه پرسش و پاسخ‌ها» جلد اول صفحه 80 می‌گوید: "امام خمینی قدرت طلبی بود که حاضر نبود حکومت را به امام مهدی بدهد."

او در همین کتاب جلد دو صفحه 175 می‌نویسد: "رهبر ایران مصداق کامل طاغوت است و ما باید با او مبارزه کنیم ... حکومت ایران و رهبرش طاغوت و مشروعیتش هنگامی است که از منصور تبعیت کند."

بنده خواستم به جهت اینکه در خصوص «احمد الحسن» نمونه‌ای آوردیم، در اینجا هم نمونه‌ای آورده باشیم. هر کتابی که منصور نوشته است، ما صفحه به صفحه و سطر به سطر روی کتاب‌هایش کار کردیم.

بنده «منصور هاشمی» را خطر جدی نمی‌بینم. او بسیار کار کرده است، اما اتباعش از تعداد انگشتان دست و پا نگذشته است. در مقابل، «احمد الحسن» با شیطنت کار می‌کند و بنده او را خطر جدی می‌دانم.

ما در این خصوص هم باید اطلاع رسانی کنیم. بنده عرض کردم که ما کتاب‌های او را خواندیم، تمامی صفحات کتابها را تصویر گرفتیم و همه را داریم.

مجری:

خیلی ممنونم. دوستان الآن به من اشاره کردند که بعد از فرمایشات «آیت الله درّی» مجدداً خدمت شما خواهیم بود. اگر عنایت داشته باشید، ما بتوانیم در این طی مسافتی که داشتید بهره بیشتری ببریم.

آیت الله دکتتر حسینی قزوینی:

حاج آقا به اتم وجه مستفیض می‌فرمایند. اگر حاج آقا افاضه بفرمایند، دیگر کار تکمیل می‌شود و ناقصی‌های ما را جبران می‌کنند.

مجری:

بسیار سپاسگذارم از محضر «آیت الله دکتتر حسینی قزوینی» بزرگوار که عنایت فرمودند در برنامه «عصر انتظار» حضور داشتند. همچنین از سروران گرانقدر حاضر در سالن بسیار تشکر می‌کنم.

نسل ما نسل ظهور است اگر ما خواهیم

این زمان فصل حضور است اگر ما خواهیم

گر که آماده شود لشکر حق او آید

زین گذر وقت عبور است اگر ما خواهیم

در مسیر امام زمان ثابت قدم باشید. اللهم عجل لولیک الفرج به برکت صلواتی بر محمد و آل محمد.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته